

دو فصلنامه تفسیر پژوهی
سال هفتم، شماره چهاردهم
پاییز و زمستان ۹۹
صفحات ۱۸۹-۱۶۹

نقد و بررسی ترجمه و تفسیر آیه ۳ سوره عنکبوت

(با تاکید بر نقش دانش قرآنت)*

علیرضا خنشا**

قاسم بستانی***

چکیده

ترجمه‌های فارسی فراوانی از قرآن مجید وجود دارد که عموم جامعه دینی کشور از آن استفاده می‌کنند اما همواره این سوال مطرح می‌باشد که بهترین ترجمه فارسی قرآن، کدام اثر است؟ کدام ترجمه بهتر توانسته، مراد خدای متعال را دقیق و عالی بیان نماید؟ این پژوهش، از روش کتابخانه‌ای بهره جسته و به شیوه تحلیلی انجام گرفته است. جامعه آماری، از منابع موجود درباره ترجمه و تفسیرهای قرآن درباره آیه ۳ عنکبوت انتخاب شده است. نتایج نشان می‌دهد بین ترجمه‌ها موجود درباره این آیه تفاوت‌های معنی‌داری وجود دارد. و از آنجایی که مفردات، اعراب و بلاغت نقش مهمی در فهم آیات دارند لذا در ترجمه و تفسیر باید به آنها اهتمام و توجه بیشتری شود. نکته مهم که در آثار فارسی کمتر به آن توجه شده، لزوم استفاده از قرائت‌های دیگر واژه‌ها برای درک بهتر معانی و مراد آیات است و در این پژوهش نشان داده شده که نقش قرائت دوم در ترجمه و تفسیر بهتر آیه بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

کلید واژه‌ها: قرآن، قرائت، اعراب، ترجمه، تفسیر، نقد، مقایسه.

*- تاریخ دریافت: ۹۹/۰۸/۱۲ تاریخ پذیرش: ۴۰۰/۰۱/۱۳

** دانشجوی دکتری دانشگاه شهید چمران اهواز

*** عضو هیات علمی دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول)

۱- طرح مسئله

نقش قرآن در تعلیم و تبیین معارف دینی در جامعه و تمدن اسلام، نقشی بی‌بدلیل و کلیدی است و زیر بنا و سرچشمه تمام آموزه‌های عقیدتی و احکام و دستورات فقهی و ارشادی می‌باشد.

از آنجا که قرآن برای هدایت عموم انسان‌ها نازل شده و برای همه مردم، در هر عصری قابل فهم می‌باشد و خداوند خود در کتابش این حقیقت را بیان می‌نماید: «هَذَا يَبَيِّنُ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ؛ این (قرآن) حجت و بیانی است برای عموم مردم، و هدایت و اندرزی است برای پرهیزگاران» (آل عمران/۱۳۸)، لذا لازم است این کتاب آسمانی به بهترین شکل به زبان‌های رایج دنیا ترجمه شود تا برای عموم ملت‌ها قابل استفاده باشد.

یکی از این ملت‌ها که به ندای قرآن کریم گوش دل سپرده، فارسی‌زبانان هستند که عموماً به تلاوت و تدبر در این آیات نورانی و فهمیدن آن علاقه وافری دارند.

دانشمندان ایرانی در طول تاریخ اسلام به این مهم پرداخته و آثار فراوانی تاکنون در این زمینه تالیف نموده‌اند، به طوری که امروزه ترجمه‌های فارسی فراوانی از قرآن مجید وجود دارد. اما بسیار سوال شده که در هنگام تلاوت قرآن، از کدام یک از ترجمه‌ها برای فهمیدن و بهره‌برداری از آیات استفاده کنیم؟ چه ترجمه‌ای بهتر است؟ شما کدام را توصیه می‌کنید؟

در این پژوهش به عنوان نمونه، آیه سوم سوره عنکبوت به خاطر وجود تفاوت معنی‌دار بین ترجمه‌ها و نیز تفاسیر آن، برای مطالعه انتخاب شده است.

۱-۲- ضرورت و اهمیت پژوهش

همانور که ذکر شد در جامعه علمی و دینی کشور همواره این سوال مطرح می‌باشد که کدام یک از ترجمه‌های قرآن بهتر و جامع‌تر، و کامل و دقیق توانسته مقصود گوینده یعنی خدای متعال را بیان نماید؟ و در هنگام تلاوت قرآن از کدام یک از این ترجمه‌ها استفاده کنیم؟

نقد و بررسی ترجمه و تفسیر آیه ۳ سوره عنکبوت (با تاکید بر نقش دانش قرآنت) ۱۷۱

البته از آنجا که عوامل و زاوایای مطرح در بررسی دقیق ترجمه‌ها، مختلف است و از تحلیل صرفی و اعراب گرفته تا نگرش‌های کلامی و عقیدتی و ... در نوع ترجمه موثر می‌باشد و گروهی از مترجمین به شیوه ترجمه لفظ به لفظ تاکید دارند، گروهی بر ترجمه معنوی یا تفسیری و گروهی بر ترجمه آزاد، لذا بررسی‌ها سخت و نیازمند پژوهش‌های زیادی می‌باشد و این رسالت برعهده متخصصین این امر قرار دارد.

امید است این پژوهش، راه را برای تحقیقات گسترده در این زمینه فراهم آورد.

۱-۳- پیشینه پژوهش

به نظر می‌رسد تعیین بهترین ترجمه قرآن مجید به خاطر عوامل موثر فراوان دخیل در آن، کار بسیار مشکل و نیاز به تحقیقات و پژوهش‌های فراوانی دارد. از تحقیقات انجام شده در این موضوع، می‌توان به آثار زیر اشاره نمود:

«پژوهشی در انواع ترجمه قرآن کریم» از سید محمد حسن جواهری که در آن به بررسی انواع ترجمه‌های قرآن مجید از قبیل «تحت لفظی یا لغوی»، «ترجمه آزاد یا معنایی»، «ترجمه تفسیری یا محتوایی» و ... پرداخته شده است. «دانش اعراب القرآن و نقش آن در ترجمه قرآن کریم با تاکید بر ترجمه شاه ولی الله دهلوی» از محمدرضا شاهرودی و محمد سعید بیلکار؛ این دو محقق به بررسی علم اعراب و نقش آن در ترجمه قرآن و مقایسه برخی ترجمه‌های موجود با هم با توجه به این دانش، پرداخته شده است. از دیگر آثار که تا حدی به این تحقیق مرتبط است مقاله «ابتلا و آزمایش در قرآن» از عبدالعلی پاکزاد و پایان‌نامه «مفهوم‌شناسی واژه فتنه در آیات قرآن کریم» از سید کریم سید نور و به راهنمایی دکتر قاسم بستانی، که در این آثار به واژه‌شناسی فتن و ابتلا پرداخته شده است.

۲- نقد و بررسی آیه ۳ سوره عنکبوت

«وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ» (۳)

همان‌طور که ذکر شد این آیه به عنوان یکی از کاندیدهای بررسی در جامعه آماری آیات، انتخاب شده است که در ادامه به بررسی مفردات، اعراب، قرائت، ترجمه و تفسیر آن پرداخته می‌شود.

۲-۱- دلیل انتخاب آیه

از آن‌جا که بین ترجمه‌ها و تفاسیر موجود درباره این آیه تفاوت‌های معنی‌داری وجود دارد و از مفردات، قرائت، اعراب تا نکات بلاغی و تفسیر و ترجمه بین دانشمندان فریقین اختلاف نظر وجود دارد لذا می‌توان آیه را جزء آیات مشکله دانست که نیاز به تحقیق و پژوهش برای درک معنای صحیح آن ضروری به نظر می‌آید. همچنین در قسمت بحث، از نتایج مباحث مطرح شده، شاید بتوان روش و شیوه‌ای که برای دیگر آیات نیز مفید باشد، استخراج نمود.

۲-۲- مفردات آیه

الف- فتن: امتحان

اصل «فتن» گذاشتن طلا در آتش است تا خوبی آن از ناخوبی آشکار شود (راغب، ۱۲۱۲ق: ۶۲۳/۱). در کلام عرب به معنای ابتلاء و امتحان و تست نمودن آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۳۱۷/۱۳؛ طریحی، ۱۳۷۵ش: ۲۹۳/۶). پس کلمه‌ی «فتن» به معنای گذاختن طلا برای جدا کردن ناخالصی‌های آن است و چون در حوادث و سختی‌ها، جوهره‌ی انسان از شعارهای دروغین جدا می‌شود، حوادث و آزمایش‌ها را «فتن» می‌گویند. در حدیث جهت تایید معنای فتن در این آیات آمده است: «یفتنون یعنی فی الدین کما یفتن الذهب، ثم یخلصون کما یخلص الذهب؛ آزمایش می‌شوند همانگونه که طلا در کوره آزمایش می‌شود، و خالص می‌شوند همانگونه که فشار آتش ناخالصی‌های طلا را از بین می‌برد و آن را خالص می‌کند» (کلینی، ۱۳۷۵ش: ۳۷۰/۱).

نقد و بررسی ترجمه و تفسیر آیه ۳ سوره عنکبوت (با تاکید بر نقش دانش قرآنت) ۱۷۳

ب-۱- علم: درک چیزی به حقیقت تمام آن «العِلْمُ: إدراك الشيء بحقيقته» (راغب، ۱۴۱۲ق: ۵۸۰/۱) و به معنای حضور و احاطه بر چیزی نیز گفته شده است «هو الحضور و الإحاطة على شيء» (مصطفوی، ۱۳۶۰ش: ۲۰۶/۸).

علم: (بر وزن فرس) نشانه. علامت. اثر و نشانه‌ای است که شیء با آن معلوم می‌شود مثل علم لشکر و جمع آن اعلام است (قرشی، ۱۳۷۱ش: ۳۴/۵).

ج- صدق: راست گفتن، مقابل دروغ (الصدق: تقيض الكذب) (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ۵۶/۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۹۳/۱۰).

د- کذب: چیزی که مخالف واقعیت است و مقابل راست‌گویی است (مصطفوی، ۱۳۶۰ش: ۳۴/۱۰).

۲-۳- اعراب آیه

اعراب اکثر کلمات در اکثر آثار یکسان است و تفاوت‌هایی در برخی لغات دیده می‌شود: واو: برخی واو را عاطفه (درویش، ۱۴۱۵ق: ۳۹۹/۷؛ صافی، ۱۴۱۸ق: ۳۰۸/۲۰) و برخی حرف قسم و جر می‌دانند (دعاس، ۱۴۲۵ق: ۴۴۶/۲).

لام: بعضی آن را جواب برای قسم محذوف (درویش، ۱۴۱۵ق: ۳۹۹/۷) بعضی قسم برای قسم مقدر (صافی، ۱۴۱۸ق: ۳۰۸/۲۰) و برخی لام واقعه در جواب قسم می‌دانند (دعاس، ۱۴۲۵ق: ۴۴۶/۲). برای آشنایی بهتر، اعراب آیه از سه اثر معروف آورده می‌شود:

- «وَوَلَقَدْ» الواو حرف قسم و جر، و اللام واقعة فی جواب القسم «قد» حرف تحقیق «فَتَنَّا» ماض و فاعله «الَّذِينَ» مفعول به «مِنْ قَبْلِهِمْ» متعلقان بمحذوف صلة الموصول و الجملة جواب القسم لا محل لها. «فَلْيَعْلَمَنَّ» الفاء حرف عطف و اللام واقعة فی جواب القسم و مضارع مبني على الفتح لاتصاله بنون التوكيد الثقيلة «اللَّهُ» لفظ الجلالة فاعل «الَّذِينَ» مفعول به، و الجملة معطوفة على ما قبلها. «صَدَّقُوا» ماض و فاعله و الجملة صلة الذين لا محل لها «وَلْيَعْلَمَنَّ»

الْكَاذِبِينَ» معطوفة على ما قبلها و إعرابها واضح؛ واو: حرف قسم و جر، لام واقعه در جواب قسم، قد: حرف تاکید یا تحقیق، فتنّا: فعل ماضی همراه با فاعلش، الذین: مفعول، فلیعلمن: فاء عطف و لام واقعه در جواب قسم و فعل مضارع به خاطر اتصال به نون تاکید ثقیله مبنی بر فتحه می باشد و لفظ جلاله الله فاعل و الذین مفعول و جمله بر قبلیش معطوف شده است، صدقوا: فعل ماضی همراه با فاعلش و لیعلمن الکاذبین: اعرابش مانند قبلی و معطوف شده است) (دعاس، ۱۴۲۵ق: ۲/۴۴۶)

- (الواو عاطفة و اللام جواب للقسم المحذوف و قد حرف تحقیق و فتنّا فعل و فاعل و الذین مفعوله و من قبلهم متعلقان بمحذوف هو صلة الذین و الفاء عاطفة و اللام موطنة للقسم و لیعلمن فعل مضارع مبنی علی الفتح و الله فاعل و الذین مفعوله و جملة صدقوا صلة و لیعلمن الکاذبین عطف علی ما تقدم و سیأتی سر المخالفة بین صدقوا و الکاذبین فی باب البلاغة و المعنی أن الفتنة و الامتحان أمران لا بد منهما لابتلاء الخلق و قد تعرضت لهما الخلاق فی مختلف ظروف الزمان و المكان؛ واو عاطفه و لام جواب قسم حذف شده و قد حرف تاکید، فتنّا: فعل و فاعلش و الذین مفعول، فلیعلمن: فاء حرف عطف و لام حرف قسم/فعل مضارع، مبنی بر فتحه/نون تاکید ثقیله، الله: فاعل و الذین مفعول، و لیعلمن الکاذبین: عطف به قبل و اعرابش مشابه، رمز اختلاف بین صدقوا و کاذبین از باب مبالغه خواهد بود و معنی آیه این است که ابتلا و امتحان امری است که شامل همه افراد در همه زمانها و مکانها می گردد) (درویش، ۱۴۱۵ق: ۳۹۹/۷).

- «(الواو) عاطفة (اللام) لام القسم لقسم مقدر (قد) حرف تحقیق (من قبلهم) متعلق بمحذوف صلة الموصول (الفاء) عاطفة و كذلك (الواو)، (اللام) لام القسم لقسم

نقد و بررسی ترجمه و تفسیر آیه ۳ سوره عنکبوت (با تاکید بر نقش دانش قرآنت) ۱۷۵

مقدّر فی الموضعین (یعلمن) مضارع مبنیّ علیّ الفتح فی محلّ رفع (الذین) اسم موصول مفعول به فی محلّ نصب؛ واو عاطفه و لام قسم برای قسم مقدر و قد حرف تحقیق یا تاکید، فاء و واو حرف عطف و در هر دو مورد لام قسم است، فعل یعلمن مضارع مبنی بر فتحه و الذین مفعول آن» (صافی، ۱۴۱۸ق: ۳۰۸/۲۰).

با دقت در اعراب آیه، نکاتی چند مشخص می‌شود:

- آیه همراه قسم و تاکید می‌باشد: واو یا لام قسم، حرف تحقیق، نون تاکید تقیله، همه برای نشان دادن اهمیت موضوع است.
- آوردن فاعل به صورت اسم ظاهر با لفظ جلاله الله برای تاثیر پذیری بیشتر مخاطب.
- فتنا: فعل ماضی و فاعلش: فعل ماضی که به جای مضارع بیاید نشان دهنده قطعیت و حتمی الصدور بودن وقوع پدیده‌ای است.
- یعلمن: فعل مضارع؛ استمرار در وقوع آن را نشان می‌دهد یعنی امتحان و آزمایش در همه دورانها و همه مکانها صورت می‌گیرد.

۲-۴- نکات بلاغی

الف- التفات از متکلم به غائب: در ابتدای آیه آمده «ولقد فتنا» ما شما را یقیناً آزمایش می‌کنیم و چون به کلمه «فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ» رسید، فرمود: تا خدا بداند، با اینکه جا داشت بگوید: تا ما بدانیم، نکته این التفات چیست؟

برخی بیان نموده‌اند: چون آیه در مقام تهدید دروغگویان است، لذا از متکلم به غائب عدول شده و آوردن نام الله تبارک و تعالی در مهابت و هول‌انگیزی موثرتر می‌باشد (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۱۳۵/۲۰؛ صافی، ۱۴۱۸ق: ۳۰۹/۲۰)

و بعضی دلیل آن را بیان علت حکم دانسته و می‌نویسند: «دعوت به ایمان و هدایت به سوی آن و ثواب یافتن از آن از آنجایی که مربوط به کسی است که نامش «اللّه» است یعنی همه عالم ابتدای خلقتش از اوست، و قوام ذاتش به اوست، و به سوی او هم بازگشت می‌کند،

پس لازم و واجب است که حقیقت ایمان از ایمان ادعایی متمایز شود و مساله از حال ابهام درآمده و صریح بیان شود، و به همین جهت از تعبیر مثل «فلنعلمن» به تعبیر «فَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ» عدول کرد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۰۱/۱۶)

ب- تقابل صدق و کذب

در این آیه «صدقوا» به صیغه فعل و کذب به اسم فاعل «کاذبین» آمده است، دلیل آن چیست؟ گفته شده فایده این اختلاف، بر فصاحت در لفظ دلالت می‌نماید و اسم فاعل دلالت بر ثبوت و رسوخ فعلی در فاعلش می‌کند. چون این سوره مکی است و در اوایل اسلام، ایمان در دل مومنین هنوز تثبیت نشده اما نفاق و کذب، کاملاً در کافران ثبات و دوام پیدا کرده بود، لذا در حق مومنین به صیغه فعل و برای کفار اسم فاعل آمده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۲۷/۲۵؛ صافی، ۱۴۱۸ق: ۳۰۹/۲۰).

۲-۵-قرائت

۱-۵-۲- تعریف قرائات

در لغت: جمع قرائت به معنای جمع و اجتماع (مقایس اللغه) و مصدر از قراء، یقراء، قراءه و قرآنا، فهو قاری (تاج العروس)

در اصطلاح: دانشمندان علوم قرآنی برای آن تعاریف چندی نموده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

- «قرائت‌ها عبارتند از اختلاف مربوط به الفاظ و عبارات وحی مانند تخفیف، تشدید و مانند آن که از سوی قراء نقل شده‌اند» (زرکشی، ۱۳۷۶ق: ۳۸/۱)

- «قرائات علم به کیفیت ادای کلمات قرآنی و اختلافات این کیفیت؛ اختلافی که به راویان منسوب است، می‌باشد» (ابن جزری، ۱۳۵۰ق: ۳)

- «علمی بدان اتفاق ناقلین کتاب خداوند و اختلاف آن از حیث لغت، اعراب، حذف و اثبات، تحریک و اسکان، فصل و وصل و مانند آن دانسته می‌شود» (قسطلانی، ۱۴۳۴ق: ۱۷۰/۱).

نقد و بررسی ترجمه و تفسیر آیه ۳ سوره عنکبوت (با تاکید بر نقش دانش قرآنت) ۱۷۷

- «وجهی از وجوه احتمالی نص قرآن» (معرفت، ۱۳۸۶ش: ۱۱/۲).

جمع‌بندی قرائات به تعریف قدما چنین خواهد بود: علم به کیفیت ادای حروف و کلمات قرآنی متفق علیه یا مختلف فیه به شرط آن که این اداءها به راوی آن تا پیامبر(ص) منسوب باشد (بستانی، ۱۳۹۷: ۳۰)؛ و تعریف زیر نیز برای علم قرائت ارائه شده است: «علم به نظامها و سیستم‌های قرائتی و نیز تک موارد اختلاف مروی» (بستانی، ۱۳۹۷: ۳۱).

۲-۵-۲- قرائت این آیه

قرائت مشهور در این آیه، همین قرائت موجود است که در آن «فَلْيَعْلَمَنَّ» به فتحه یا و لام خوانده شده، اما برخی از امام علی(ع) و نیز امام صادق(ع)، قرائتی به ضمه یا و کسر لام، ذکر نموده‌اند که مصدر آن اعلام می‌شود (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۳/۴۴۰؛ طبرسی، ۱۳۷۷ش: ۲۳۸/۳؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲ق: ۴/۳۰۶؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق: ۳/۳۹۹؛ اندلسی، ۱۴۲۰ق: ۸/۲۴۰؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ۴/۱۸۸؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸ق: ۱۵/۲۳۱)، که می‌توان برای درک بهتر معنا و تفسیر آیه از آن استفاده نمود.

۲-۶- تفسیر آیه

برخی از مفسران با استناد یا با الهام از روایات وارده از معصومین(ص) ذیل این آیات (کلینی، ۱۳۷۵ش: ۱/۳۷۰؛ قمی، ۱۳۶۷ش: ۲/۱۴۸؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق: ۴/۳۰۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ۴/۱۴۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۲/۹۴۱)، ضمن اشاره به سنت ابتلا و امتحان الهی که سنتی جاری و شامل همه انسان‌ها می‌شود و نیز با اشاره به علم ازلی خداوند، منظور از «فلیعلمن الله» را معلوم و شناسایی و جداسازی راستگویان از دروغگویان دانسته‌اند یعنی به وسیله امتحان، آثار صدق و کذب در مردم مشخص می‌شود (طوسی، بی‌تا: ۸/۱۸۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۸/۴۲۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۶/۱۰۰؛ گنابادی، ۱۴۰۸ق: ۳/۲۰۲؛ امین، ۱۳۶۱ش: ۵/۱۰)، همچنین برخی از مفسران اهل سنت

نیز تفسیری تقریباً مشابه این بیان آورده‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۴۴۶/۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۴۴۰/۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۳۴۱/۱۰).

البته الفاظ در تفاسیر مختلف، تفاوت‌هایی دارند اما مفهوم کلی آنها یکسان و مشابه می‌باشد، مثلاً برخی منظور از علم را همان تحقق عینی مسائل و وجود خارجی آنها می‌دانند، یعنی دلیل آزمایش‌های الهی، عینی و محقق شدن علم ازلی خداوند و جدا شدن مؤمنان واقعی و شکوفا شدن استعدادهای درونی و به فعلیت رسیدن آنهاست (طبرسی، ۱۳۷۷ش: ۲۳۸/۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ۲۰۵/۱۶؛ قرائتی، ۱۳۸۳ش: ۱۱۳/۹).

دسته دیگری از مفسران قائل به وجود مجاز در این فراز از آیه شده‌اند: «چون علم خدای تعالی ازلی است، (فَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ) به معنای (فَلْيَمِيزَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِالْجِزَاءِ وَالْمَكَافَاةِ؛ البته خداوند راستگویان را از دروغگویان بوسیله مجازات و مکافات جدا می‌سازد) و اینکه از جزاء و تمییز بعلم تعبیر فرموده است برای این است که تمام اینها محصول علم است و سبب، قائم مقام مسبب شده است» (طبری، ۱۴۱۲ق: ۸۳/۲۰؛ سمرقندی، بی تا: ۶۲۵/۲؛ نیشابوری، ۱۴۱۵ق: ۶۴۸/۲؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳ش: ۵۰۶/۳؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۲۱/۱۰؛ حقی بروسوی، بی تا: ۴۴۶/۶؛ مراغی، بی تا: ۱۱۳/۲۰؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق: ۹۴/۶؛ خسروی، ۱۳۹۰ق: ۳۹۷/۶؛ حجازی، ۱۴۱۳ق: ۸۵۷/۲؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش: ۱۶/۲۳).

برخی از مفسران «فلیعلمن» را به سه معنا آورده‌اند: دیدن (فلیرین الله)، تمیز و مشخص کردن (فلیمیزن)، ظاهر و آشکار نمودن (فلیظهرن) (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق: ۳۹۹/۳؛ بغوی، ۱۴۲۰ق: ۵۵۰/۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۲۶/۲۵؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ۱۸۸/۴) و برخی یکی از این معنای سه گانه، فلیرین الله (مقاتل بن سلیمان، ۱۳۸۱ق: ۳۷۲/۳)، فلیظهرن الله (بغوی، ۱۴۲۰ق: ۵۵۰/۳؛ بغدادی، ۱۴۱۵ق: ۳۷۶/۳)، فلیمیزن الله (ابوعبیده، ۱۳۸۱ق: ۱۱۴/۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۴۴۰/۳؛ ابن عربی، ۱۴۲۲ق: ۱۳۰/۲).

نقد و بررسی ترجمه و تفسیر آیه ۳ سوره عنکبوت (با تاکید بر نقش دانش قرآنت) ۱۷۹

نمونه تفسیر این دسته: «و فی قوله: فليعلمنَّ اللهُ الَّذِينَ صدَّقُوا وجوه: الأول: قول مقاتل فليرين الله الثاني: فليظهن الله الثالث: فليميزن الله؛ درباره این آیه «فليعلمنَّ اللهُ...» سه قول وجود دارد، اول: دیدن خدا از مقاتل بن سلیمان، دوم: ظاهر و آشکار نمودن، سوم: جدا نمودن» (فخررازی، ۱۴۲۰ق: ۲۶/۲۵).

برخی از مفسران نیز با اشاره به قرائتی از امام علی(ع) و امام صادق(ع)، که در آن فليعلمنَّ و ليعلمنَّ به ضمه یا و کسر لام، خوانده‌اند (و مصدر آن اعلام می‌شود)، و برای آن تا سه معنا ذکر نموده‌اند: شناساندن و جدا نمودن دروغ‌گویان از راست‌گویان در آخرت، در تقدیر بودن ناس به عنوان مفعول اول محذوف یعنی خداوند به مردم صادقین و کاذبین را معرفی می‌کند، یا تعیین علامت و نشانه مشهور برای جدایی آنها، (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۴۴۰/۳؛ طبرسی، ۱۳۷۷ش: ۲۳۸/۳؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲ق: ۳۰۶/۴؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق: ۳۹۹/۳؛ اندلسی، ۱۴۲۰ق: ۳۴۰/۸).

بهترین نمونه تفسیر این دسته از ابن عطیه اندلسی (قرن ۶) است: «قرأ علی بن ابي طالب رضی الله عنه «فليعلمن» بضم الياء و كسر اللام، و هذه القراءة تحتل ثلاثة معان أحدها أن يعلم في الآخرة هؤلاء الصادقين و الكاذبين بمنازلتهم من ثوابه و عقابه و بأعمالهم في الدنيا، بمعنى يوقفهم على ما كان منهم، و الثاني أن يكون المفعول الأول محذوفاً تقدیره ليعلمن الناس أو العالم هؤلاء الصادقين و الكاذبين، أي يفضحهم و يشهرهم، هؤلاء في الخير و هؤلاء في الشر، و ذلك في الدنيا و الآخرة، و الثالث أي يكون ذلك من العلامة أي لكل طائفة علما تشهر به، فالآية على هذا ينظر إليها قول النبي صلى الله عليه و سلم «من أسر سريرة ألبسه الله رداءها؛ امام علی(ع) «فليعلمن» را به ضم یا و کسره لام قرائت نموده است و این قرائت به سه معنا حمل می‌گردد، اول در آخرت راست‌گویان و دروغ‌پردازان از روی درجات‌شان از پاداش یا عقوبت اعمال دنیوی‌شان، مشخص می‌شوند، دوم: احتمالا مفعول اول حذف شده است و تقدیر آن این است که مردم دروغ‌گویان و راست‌گویان را می‌شناسند یا مشهور به خوب بودن یا بدکردن در دنیا و آخرت می‌گردند، سوم: شاید از

باب اعلام یا علامه باشد که هر طایفه‌ای به عملکردش شهرت می‌یابد و این معنا مترادف است با روایتی از رسول خدا(ص) که فرمود: «هرکس نیتی در دل پنهان کند، خداوند لباس آن را بر او بیوشاند و آشکار نماید» (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲ ق: ۳۰۶/۴) و نیز این تفسیر که نشان می‌دهد امام صادق(ع) هم این قرائت را تلاوت نموده است: «و قرأ علی بن اُبی طالب علیه السلام، و جعفر بن محمد: «فلیعلمنَّ الله» «و لیعلمنَّ الکاذبین» «و لیعلمنَّ الله الذین آمنوا و لیعلمنَّ المنافقین» بضمّ الیاء و کسر اللام؛ امام علی (ع) و امام صادق(ع) «فلیعلمن الله» را به ضمه یا و کسره لام قرائت نموده‌اند» (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق: ۳۹۹/۳؛ اندلسی، ۱۴۲۰ق: ۳۴۰/۸، بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ۱۸۸/۴).

۲-۷- ترجمه

ترجمه‌های مختلفی از این آیه شده است و یکی از دلایل انتخاب این آیه، وجود تفاوت در ترجمه‌های آن می‌باشد. البته ترجمه قسمت اول آیه در اکثر آثار یکسان است و تفاوت در قسمت دوم، از فلیعلمن الله مشاهده می‌شود.

الف- گروهی این‌گونه ترجمه نموده‌اند: «... و بی‌تردید خدا کسانی را که [در ادعای ایمان] راست گفته‌اند می‌شناسد، و قطعاً دروغگویان را نیز می‌شناسد» (انصاریان، ۱۳۸۳: ۳۹۶/۱؛ بهرام‌پور، ۱۳۸۴: ۳۹۵/۱؛ الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰: ۳۹۶/۱؛ طاهری، ۱۳۸۰: ۳۹۶/۱؛ گرمارودی، ۱۳۸۴: ۳۹۶/۱؛ مجتبیوی، ۱۳۷۱: ۳۹۶/۱). دسته‌ای دیگر: «... تا خدا آنان را که راست گفته‌اند معلوم دارد و دروغگویان را [نیز] معلوم دارد» (فولادوند، ۱۴۱۵ق: ۳۹۶/۱؛ برزی، ۱۳۸۲: ۳۹۶/۱؛ پاینده، بی‌تا: ۳۳۲؛ پورجوادی، ۱۴۱۴ق: ۳۹۵/۱؛ خواجه‌ی، ۱۴۱۰ق: ۱۵۳؛ رضایی، ۱۳۸۳: ۳۹۶/۱؛ عاملی، بی‌تا: ۵۱/۷؛ انصاری، ۱۳۷۷: ۳۹۶/۱؛ صفارزاده، ۱۳۸۰: ۹۴۰/۱). بعضی هم: «... تا بداند خدا آنان را که راست گفته‌اند و تا بداند دروغگویان را» (سراج، بی‌تا: ۳۹۶/۱؛ شعرانی، ۱۳۷۴: ۳۹۶/۱؛ مصباح‌زاده، ۱۳۸۰: ۳۹۶/۱؛ صفی‌علیشاه، بی‌تا: ۵۶۱/۱). دسته‌ای به این شکل: «... تا خداوند راستگویان را از دروغگویان کاملاً معلوم و مشخص سازد» (بروجردی،

نقد و بررسی ترجمه و تفسیر آیه ۳ سوره عنکبوت (با تأکید بر نقش دانش قرآنت) ۱۸۱

۱۳۶۶: ۷۰۸/۱؛ کاویانپور، ۱۳۷۸: ۳۹۶/۱. برخی: «... باید خداوند راستگویان را معلوم کند و باید حتماً دروغگویان را مشخص سازد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۴۴/۱۶).

ب- گروه دوم به این سان ترجمه نموده‌اند: «... باید علم خدا درباره کسانی که راست می‌گویند و کسانی که دروغ می‌گویند تحقق یابد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۳۹۶/۱؛ حجتی، ۱۳۸۴: ۳۹۶؛ طبرسی، ۱۳۷۷: ۵۵۹/۴)، و برخی این گونه: «... پس بی‌تردید علم ازلی خداوند درباره کسانی که راست گفتند تحقق می‌یابد و درباره دروغگویان (نیز) تحقق می‌یابد، و صدق راستگویان و کذب دروغگویان ظاهر می‌گردد» (مشکینی، ۱۳۸۱: ۳۹۶/۱).

ج- گروه سوم به این شکل: «... پس، قسم است با قید دو تأکید که خدا جدا می‌سازد آنانی را که راست گفتند و قسم است با قید دو تأکید که خدا جدا می‌سازد دروغگویان را» (بلاغی، ۱۳۸۶ق: ۱۲۰/۵؛ خسروی، ۱۳۹۰ق: ۳۹۶/۶؛ فیض الاسلام، ۱۳۷۸: ۷۸۶/۲)، و برخی به این شکل: «و خدا متمایز کند آنهایی را که راست گفتند از آنکسان که دروغ زنند» (دهلوی، ۱۴۱۷ق: ۸۷۶/۱؛ حلبی، ۱۳۸۰: ۳۹۶/۱؛ رهنما، ۱۳۴۶: ۲۷۸/۳).

د- بحث: هدف از این پژوهش، نقد و بررسی انواع ترجمه قرآن مجید می‌باشد تا ببینیم بهترین ترجمه یا ترجمه‌ها کدام است؟ کدام ترجمه توانسته مراد خدای تعالی را در آیات را به بهترین وجه بیان نماید؟ در کدام اثر به مفردات، اعراب، بلاغت، قرائت و تفسیر آیه توجه شده و برای خواننده فارسی زبان به بهترین شکل انتقال پیام صورت گرفته باشد؟ معمولاً ترجمه به شیوه‌های مختلفی مانند لفظ به لفظ، آزاد و معنوی و ... صورت می‌گیرد و این شامل ترجمه‌های قرآن مجید نیز می‌شود. عموماً مترجمین از شیوه یکسانی در ترجمه آیات استفاده نکرده‌اند و بسته به ویژگی‌های آیات، از شیوه خاصی بهره برده‌اند (جواهری، ۱۳۸۴: ۱۳۷).

بعضی از ترجمه‌ها در برخی از آیات، تفسیری هستند و برای فهمیدن و درک صحیح معنای آیه باید به تفسیری که در آن به شرح آیه پرداخته شده، مراجعه نمود مانند ترجمه مکارم شیرازی و جوامع الجامع برای آیه.

متاسفانه در مورد این آیه اکثر ترجمه‌های فارسی از آنجا که به مفردات و قرائت یعلمن که به دو صورت علم (با کسر ع: دانش و دانستن) یا علم (به فتنه ع: اعلام) است، توجه نکرده‌اند لذا ترجمه و تفسیر آیه، مشکل شده و به ترجمه تفسیری که احتمالاً برای عموم خوانندگان فارسی زبان مبهم و گنگ است، روی آورده‌اند. در صورتی که با توجه به قرائت دوم، آیه به راحتی ترجمه می‌شود «خداوند قطعاً راستگویان و دروغگویان را ظاهر و (به مردم) می‌شناساند» و این ترجمه، تمامی معانی محتمل را در برمی‌گیرد و صنعت تاکید هم در آن آمده و به مفردات، اعراب، نکات بلاغی و قرائت هم توجه شده است.

۲-۸- نقد و مقایسه ترجمه‌ها

همان‌طور که ذکر شد ترجمه برگزیده آیه به این صورت می‌تواند باشد: «و مسلماً کسانی را که پیش از اینان بودند آزمودیم، و به یقین خداوند راستگویان و دروغگویان را اعلام و کاملاً می‌شناساند».

استفاده از اعلام و شناساندن مطابق قرائت دوم در این آیه، هم قرائت اول که «علم» است را پوشش می‌دهد و هم قرائت دوم را. چون نتیجه علم، تشخیص هویت چیزی و جداسازی خوب از بد یا راستگو از دروغگو است. بنابراین اگر در ترجمه از واژه اعلام و شناساندن استفاده نماییم، هر دو قرائت پوشش داده می‌شود و هم به مفردات و اعراب کلمات توجه شده و هم آیه دقیق‌تر و صحیح‌تر ترجمه شده که نتیجه آن، درک بهتری از معنای آیه برای خواننده قرآن می‌باشد و دیگر برای مترجم نیاز نیست خود را به تکلف انداخته و به ترجمه‌های تفسیری یا معنوی که برای خواننده واضح نیست و او را دچار ابهام می‌کند، رو بیاورد. موید این ترجمه، این بیان می‌باشد: «و آن اینکه حضرت علی بن ابی طالب و امام جعفر صادق علیهم السّلام و محمد ابن عبد الله بن حسن و زهری عموماً کلمه (فَلْيَعْلَمَنَّ و کلمه لِيَعْلَمَنَّ) را به ضم (یاء) و کسر (میم) که از ماده (اعلام) باشد

نقد و بررسی ترجمه و تفسیر آیه ۳ سوره عنکبوت (با تاکید بر نقش دانش قرآنت) ۱۸۳

خوانده‌اند. و طبق این قرائت، معنی چنین می‌شود: حتماً خدا راست راستگویان، و دروغ دروغگویان را به ایشان و دیگران اعلام خواهد کرد» (نجفی خمینی، ۱۳۹۸ق: ۲۳۱/۱۵).

حال به بررسی و نقد و مقایسه ترجمه‌های موجود از این آیه پرداخته می‌شود:

- دسته اول: «... و بی‌تردید خدا کسانی را که [در ادعای ایمان] راست گفته‌اند می‌شناسد، و قطعاً دروغگویان را نیز می‌شناسد» (انصاریان، ۱۳۸۳: ۳۹۶/۱؛ بهرام‌پور، ۱۳۸۴: ۳۹۵/۱؛ الهی قمش‌های، ۱۳۸۰: ۳۹۶/۱؛ طاهری، ۱۳۸۰: ۳۹۶/۱؛ گرم‌ارودی، ۱۳۸۴: ۳۹۶/۱؛ مجتبیوی، ۱۳۷۱: ۳۹۶/۱). در این ترجمه از قرائت اول «علم» استفاده شده و علم خدا باعث شناختش از این دو دسته گردیده است و اشاره‌ای به اعلام و شناسایی به خود افراد و مردم نشده است، بنابراین این دسته ترجمه‌ها کاملاً صحیح نیستند.

- دسته دوم: «... تا خدا آنان را که راست گفته‌اند معلوم دارد و دروغگویان را [نیز] معلوم دارد» (فولادوند، ۱۴۱۵ق: ۳۹۶/۱؛ برزی، ۱۳۸۲: ۳۹۶/۱؛ پاینده، بی‌تا: ۳۳۲؛ پورجوادی، ۱۴۱۴ق: ۳۹۵/۱؛ خواجوی، ۱۴۱۰ق: ۱۵۳؛ رضایی، ۱۳۸۳: ۳۹۶/۱؛ عاملی، بی‌تا: ۵۱/۷؛ انصاری، ۱۳۷۷: ۳۹۶/۱؛ صفارزاده، ۱۳۸۰: ۹۴۰/۱)؛ در میان ترجمه‌های گوناگون این آیه، این دسته تا حدودی صحیح‌تر و کامل‌تر می‌باشد اما از آنجا که تاکید در آیه را نیاورده و ف در فلیعلمن را فای نتیجه گرفته‌اند در صورتی که مطابق نظر اعرابیون (که در قسمت اعراب آیه آورده شد) هم لام قسم و هم نون تاکید ثقیله و هم اسم ظاهر الله برای تاکید و تاثیرپذیری بیشتر در آیه آمده و ف نیز حرف عاطفه است. پس این دسته هم ترجمه صحیحی نیست.

- دسته سوم: «... تا بدانند خدا آنان را که راست گفته‌اند و تا بدانند دروغگویان را» (سراج، بی‌تا: ۳۹۶/۱؛ شعرانی، ۱۳۷۴: ۳۹۶/۱؛ مصباح‌زاده، ۱۳۸۰: ۳۹۶/۱؛ صفی‌علیشاه، بی‌تا: ۵۶۱/۱). دسته‌ای به این شکل: «... تا خداوند راستگویان را از دروغگویان کاملاً معلوم و مشخص سازد» (بروجردی، ۱۳۶۶: ۷۰۸/۱؛ کاویانپور، ۱۳۷۸: ۳۹۶/۱). برخی:

«... باید خداوند راستگویان را معلوم کند و باید حتماً دروغگویان را مشخص سازد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۶/۱۴۴).

در این ترجمه‌ها نیز ایرادات وارد شده در مورد دسته اول و دوم بعضاً مشاهده می‌گردد البته به معلوم و مشخص شدن راستگویان از دروغگویان اشاره شده، که نکته مثبت این ترجمه‌ها می‌باشد.

- گروه دوم: «... باید علم خدا درباره کسانی که راست می‌گویند و کسانی که دروغ می‌گویند تحقق یابد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۱/۳۹۶؛ حجتی، ۱۳۸۴: ۳۹۶؛ طبرسی، ۱۳۷۷: ۴/۵۵۹)، و برخی این گونه: «... پس بی‌تردید علم ازلی خداوند درباره کسانی که راست گفتند تحقق می‌یابد و درباره دروغگویان (نیز) تحقق می‌یابد، و صدق راستگویان و کذب دروغگویان ظاهر می‌گردد» (مشکینی، ۱۳۸۱: ۱/۳۹۶).

این گروه از ترجمه‌ها، برای خواننده کاملاً روشن و واضح نیستند چون بحث تحقق یافتن علم ازلی خدا مطرح شده و به گونه‌ای برای درک این ترجمه‌ها بایستی به تفاسیر مربوطه آن مراجعه نمود یا به عبارتی این ترجمه‌ها، تفسیری هستند و بدون کتب تفسیری مربوط، گنگ هستند. ضمن اینکه تا حدودی ایرادات وارده به دسته اول و دوم، مثل عدم توجه به قرائت دوم واژه فلیعلمن و عدم رعایت اعراب دقیق کلمات به این گروه نیز وارد است البته نکته مثبت و قابل توجه در این گروه، در ترجمه آقای مشکینی است که به ظاهر گردیدن صدق و کذب آنها اشاره نموده است. اما «ف» را فای نتیجه گرفته است.

- گروه سوم: «... پس، قسم است با قید دو تأکید که خدا جدا می‌سازد آنانی را که راست گفتند و قسم است با قید دو تأکید که خدا جدا می‌سازد دروغگویان را» (بلاغی، ۱۳۸۶ق: ۵/۱۲۰؛ خسروی، ۱۳۹۰ق: ۶/۳۹۶؛ فیض الاسلام، ۱۳۷۸: ۲/۷۸۶)، و برخی به این شکل: «و خدا متمایز کند آنهایی را که راست گفتند از آنکسان که دروغ زنانه» (دهلوی، ۱۴۱۷ق: ۱/۸۷۶؛ حلبی، ۱۳۸۰: ۱/۳۹۶؛ رهنما، ۱۳۴۶: ۳/۲۷۸).

در این ترجمه‌ها ایرادات ذیل مشاهده می‌گردد:

- سلیس و روان نیستند - نکات دستوری هم در آنها رعایت نشده است - بیشتر شبیه ترجمه لفظ به لفظ هستند - عدم رعایت نکات اعرابی مثل اعراب فا - ذکر عبارت: «قسم است با قید دو تاکید» و تکرار دوباره آن زیاد جالب و مرسوم نیست و مخالف دستور زبان و شیوایی متن می‌باشد.

۳- نتایج

از نقد و مقایسه ترجمه و تفاسیر آیه سه سوره عنکبوت نتایج زیر حاصل می‌شود:

- ترجمه برگزیده آیه به این صورت می‌تواند باشد: «و مسلماً کسانی را که پیش از اینان بودند آزمودیم، و به یقین خداوند راستگویان و دروغگویان را ظاهر و (به مردم) می‌شناساند» و این ترجمه، تمامی معانی محتمل را در برمی‌گیرد و صنعت تاکید هم در آن آمده و به مفردات، اعراب، نکات بلاغی و قرآنت هم توجه شده است.

- در میان ترجمه‌های فارسی موجود، گروهی مانند فولادوند، انصاری، صفارزاده، پورجوادی، رضایی، بروجردی و طباطبایی این آیه را بهتر ترجمه نموده‌اند چون از واژه «معلوم و مشخص کردن» استفاده کرده‌اند.

- توجه به قراءات دیگر یک آیه، می‌تواند در بیان صحیح ترجمه و تفسیر آن، نقش مهمی ایفاء نماید. مثلاً در این آیه استفاده از مفهوم اعلام و شناساندن مطابق قرائت دوم، هم قرائت اول که «علم» است را پوشش می‌دهد و هم قرائت دوم را. چون نتیجه علم، تشخیص هویت چیزی و جداسازی خوب از بد یا راستگو از دروغگو است. بنابراین اگر در ترجمه از واژه اعلام و شناساندن استفاده نماییم، هر دو قرائت پوشش داده می‌شود و هم به مفردات و اعراب کلمات توجه شده و هم آیه دقیق‌تر و صحیح‌تر ترجمه شده که نتیجه آن، درک بهتری از معنای آیه برای خواننده قرآن کریم حاصل می‌شود.

از آنجا که متاسفانه به نظر می‌رسد مترجمین فارسی احتمالاً کمتر به علم قرائت به عنوان علم مقدماتی برای ترجمه و تفسیر آیات قرآن توجه و دقت می‌نمایند، لذا ضروری است نسبت به معرفی و لزوم استفاده از آن تاکید و اهمیت گذاری صورت پذیرد.

کتابنامه

۱. آیتی، عبدالمحمد، (۱۳۷۴ش). ترجمه قرآن (آیتی)، تهران: انتشارات سروش.
۲. آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. ابن جزری، محمد بن محمد، (۱۳۵۰ق). منجد المقرئین و مرشد الطالبین، قاهره: مکتبه القدسی.
۴. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، (۱۴۲۲ق). زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دارالکتاب العربی.
۵. ابن عطیه اندلسی، عبدالحقابن بن غائب، (۱۴۲۲ق). المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۶. ابن عربی، محی‌الدین محمد، (۱۴۲۲ق). تفسیر ابن عربی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۷. ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بیروت: دارصادر.
۹. ابو عبیده، معمر بن مثنی، (۳۸۱ق). مجاز القرآن، تحقیق: محمد فواد سزگین، قاهره: مکتبه الخارجی.
۱۰. ارفع، سید کاظم، (۱۳۸۱ش). ترجمه قرآن (ارفع)، تهران: موسسه انتشاراتی فیض کاشانی.
۱۱. اشرفی تبریزی، محمود، (۱۳۸۰ش). ترجمه قرآن (اشرفی)، تهران: انتشارات جاویدان.
۱۲. الهی قمشه‌ای، مهدی، (۱۳۸۰ش). ترجمه قرآن (الهی قمشه‌ای)، قم: انتشارات فاطمه الزهراء.
۱۳. اندلسی، محمد بن یوسف، (۱۴۲۰ق). البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دارالفکر.
۱۴. انصاری خوشابر، مسعود، (۱۳۷۷ش). ترجمه قرآن (انصاری)، تهران: نشر فرزاد روز.
۱۵. انصاریان، حسین، (۱۳۸۳ش). ترجمه قرآن (انصاریان)، قم: انتشارات اسوه.
۱۶. امین، سیده نصرت، (۱۳۶۱ش). مخزن العرفان در تفسیر القرآن، تهران: نهضت زنان مسلمان.
۱۷. بحرانی، سید هاشم، (۱۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.

نقد و بررسی ترجمه و تفسیر آیه ۳ سوره عنکبوت (با تاکید بر نقش دانش قرآنت) ۱۸۷

۱۸. برزی، اصغر، (۱۳۸۲ش). ترجمه قرآن (برزی)، تهران: بنیاد قرآن.
۱۹. بروجردی، سید محمدابراهیم، (۱۳۶۶ش). ترجمه قرآن (بروجردی)، تهران: انتشارات صدر.
۲۰. بستانی، قاسم، (۱۳۹۷ش). قرائات، اهواز: دانشگاه شهید چمران اهواز.
۲۱. بلخی، مقاتل بن سلیمان، (۱۴۲۳ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۲. بغوی، حسین بن مسعود، (۱۴۲۰ق). معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۳. بغدادی، علاء الدین علی بن محمد، (۱۴۱۵ق). لباب التاویل فی معانی التنزیل، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۴. بلاغی، سید عبدالحجت، (۱۳۸۶ق). حجه التفاسیر و بلاغ الاکسیر، قم: انتشارات حکمت.
۲۵. بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق). انوار التنزیل و اسرار التاویل، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۶. پاینده، ابوالقاسم، (بی تا)، ترجمه قرآن (پاینده)، بی جا.
۲۷. پورجوادی، کاظم، (۱۴۱۴ق). ترجمه قرآن (پورجوادی)، تهران: دایره المعارف اسلامی.
۲۸. تشکری آرانی، شهاب، (بی تا). ترجمه قرآن (تشکری)، بی جا.
۲۹. جواهری، سید محمدحسن، (۱۳۸۴ش). «پژوهشی در انواع ترجمه قرآن کریم»، مجله پژوهش‌های قرآنی، ویژه‌نامه ترجمه، دوره ۱۱، شماره ۴۲ و ۴۳، ص ۱۵۹-۱۳۶.
۳۰. حجازی، محمد محمود، (۱۴۱۳ق). التفسیر الواضح، بیروت: دار الجیل الجدید.
۳۱. حجتی، سید مهدی، (۱۳۸۴ش). گلی از بوستان خدا، قم: انتشارات بخشایش.
۳۲. حقی بروسوی، اسماعیل، (بی تا)، تفسیر روح البیان، بیروت: دار الفکر.
۳۳. حلبی، علی اصغر، (۱۳۸۰ش). ترجمه قرآن (حلبی)، تهران: انتشارات اساطیر.
۳۴. خسروانی، علیرضا، (۱۳۹۰ق). تفسیر خسروی، تهران: انتشارات اسلامیه.
۳۵. خواجوی، محمد، (۱۴۱۰ق). ترجمه قرآن (خواجوی)، تهران: انتشارات مولی.
۳۶. دهلوی، شاه ولی الله، (۱۴۱۷ق). ترجمه قرآن (دهلوی)، مدینه: مجمع ملک فهد لطباعه المصحف.
۳۷. درویش، محیی‌الدین، (۱۴۱۵ق). اعراب القرآن و بیان، دمشق: دار الارشاد.
۳۸. دعاس، حمیدان، قاسم، (۱۴۲۵ق). اعراب القرآن الکریم. دمشق: دارالمنیر و دارالفارابی.
۳۹. راغب اصفهانی، حسین، (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم.

۴۰. رضایی اصفهانی، محمدعلی و همکاران، (۱۳۸۳ش). ترجمه قرآن (رضایی)، قم: دار الذکر.
۴۱. رهنما، زین‌الدین، (۱۳۶۶ش). ترجمه و تفسیر رهنما، تهران: انتشارات کیهان.
۴۲. زبیدی، محمد بن محمد، (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر.
۴۳. زرکشی، بدرالدین محمد، (۱۳۷۶ق). البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دار احیاءالکتاب العربی.
۴۴. زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتاب العربی.
۴۵. سراج، رضا، (بی‌تا). ترجمه قرآن (سراج)، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۴۶. سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، (بی‌تا). بحر العوم، بی‌جا.
۴۷. شاهرودی و بیلکار، محمدرضا و محمدسعید، (۱۳۹۵ش). «دانش اعراب القرآن و نقش آن در ترجمه قرآن»، مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال چهل و نهم، شماره دوم، ص ۲۸۵-۳۰۴.
۴۸. شریف لاهیجی، محمد بن علی، (۱۳۷۳ش). تفسیر شریف لاهیجی، تهران.
۴۹. شعرانی، ابوالحسن، (۱۳۷۴ش)، ترجمه قرآن (شعرانی)، تهران: انتشارات اسلامیه.
۵۰. صادقی تهرانی، محمد، (۱۳۶۵ق). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
۵۱. صافی، محمود بن عبدالرحیم، (۱۴۱۸ق). الجدول فی اعراب القرآن، بیروت: دار الرشید
موسسه الایمان.
۵۲. صفارزاده، طاهره، (۱۳۸۰ش). ترجمه قرآن (صفارزاده)، تهران: موسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر.
۵۳. طاهری قزوینی، علی‌اکبر، (۱۳۸۰ش). ترجمه قرآن (طاهری)، تهران: انتشارات قلم.
۵۴. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین.
۵۵. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه.
۵۶. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۷ش). تفسیر جوامع الجامع، تهران: دانشگاه تهران.
۵۷. _____ (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۵۸. طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۵۹. طوسی، محمد بن حسن، (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق). کتاب العین، قم: انتشارات هجرت.
۶۱. فیض کاشانی، ملامحسن، (۱۴۱۵ق). تفسیر صافی، تهران: انتشارات صدر.
۶۲. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

نقد و بررسی ترجمه و تفسیر آیه ۳ سوره عنکبوت (با تاکید بر نقش دانش قرآنت) ۱۸۹

۶۳. فولادوند، محمد مهدی، (۱۴۱۵ق). ترجمه قرآن (فولادوند)، تهران: دارالقرآن الکریم.
۶۴. قرائتی، محسن، (۱۳۸۳ش). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۶۵. قرشی، سید علی‌اکبر، (۱۳۷۱ش). قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۶۶. قسطلانی، احمد بن محمد، (۱۴۳۴ق). لطائف الاشارات لفنون القرائات، جده: وزاره الشؤون الاسلامیه.
۶۷. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۷ش)، تفسیر قمی، قم: دارالکتاب.
۶۸. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، (۱۳۶۸ش). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶۹. عروسی حویزی، عبد علی جمعه، (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان.
۷۰. کاویانپور، احمد، (۱۳۷۸ش). ترجمه قرآن (کاویانپور)، تهران: اقبال.
۷۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۷۵). اصول کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۷۲. گرمارودی، سید علی موسوی، (۱۳۸۴ش). ترجمه قرآن (گرمارودی)، تهران: انتشارات قدیانی.
۷۳. گنابادی، سلطان محمد، (۱۴۰۸ق). بیان السعاده فی مقامات العباد، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۷۴. مجتبی، سید جلال‌الدین، (۱۳۷۱ش). ترجمه قرآن (مجتبی)، تهران: انتشارات حکمت.
۷۵. مراغی، احمد بن مصطفی، (بی‌تا). تفسیر المراغی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۷۶. مشکینی، علی، (۱۳۸۱ش). ترجمه قرآن (مشکینی)، قم: الهادی.
۷۷. مصباح‌زاده، عباس، (۱۳۸۰ش). ترجمه قرآن (مصباح‌زاده)، تهران: بدرقه جاویدان.
۷۸. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰ش). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: نشر کتاب.
۷۹. معرفت، محمدهادی، (۱۳۸۶ش). التمهید فی علوم القرآن، قم: موسسه التمهید.
۸۰. معزی، محمدکاظم، (۱۳۷۲ش). ترجمه قرآن (معزی)، قم: اسوه.
۸۱. مغنیه، محمدجواد، (۱۴۲۴ق). تفسیر الکاشف، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۸۲. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۳ش). ترجمه قرآن (مکارم)، قم: دارالقرآن الکریم.
۸۳. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ش). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۸۴. نجفی خمینی، محمد جواد، (۱۳۹۸ق). تفسیر آسان، تهران: انتشارات اسلامیه.
۸۵. نیشابوری، محمود بن ابوالحسن، (۱۴۱۵ق). ایجاز البیان عن معانی القرآن، بیروت: دارالغرب الاسلامی.
۸۶. یاسری، محمود، (۱۴۱۵ق). ترجمه قرآن (یاسری)، قم: انتشارات امام مهدی (عج).

